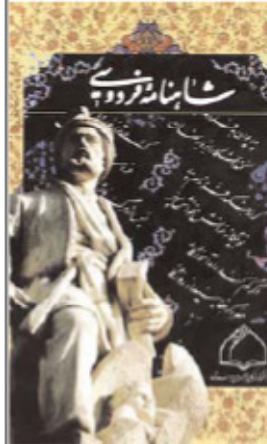


چرا می‌گویید شاهنامه آخرش خوشه؟



شاهنامه، سیر داستان‌ها و پایان آن نوشته شده، به این ضرب‌المثل اشاره شده است. در این کتاب‌ها خوش خوانده شدن آخر شاهنامه، حاوی نوعی نگاه کتابی به شکست ایرانیان از اعراب و پایان اقتدار سلسله‌ی ساسانیان با شکست و مرگ یزدگرد است. شاهنامه چگونه به پایان رسید محمد محیط طباطبایی و شاهنامه آخرش خوش است محمدابراهیم باستانی پاریزی از

بقیه در صفحه ۴

ضرب‌المثل‌ها از گذشته تا امروز در زندگی مردم و ارتباط کلامی آن‌ها جایگاه خاص خود را دارند. پیش‌تر ضرب‌المثل‌های رواج یافته در بین مردم از یک اتفاق یا روایت تاریخی نشأت می‌گیرند و در زندگی واقعی گذشتگان ریشه دارند؛ اتفاق‌هایی که سینه به سینه نقل شده و با گذشت زمان به ضرب‌المثل تبدیل شده‌اند.

حسن انوری در فرهنگ امثال سخن می‌گوید: این ضرب‌المثل اشاره‌ی طنزآمیز به کاری دارد که برخلاف انتظار شخص پیش می‌رود و پایان خوشایندی ندارد. در واقع در این کتاب این ضرب‌المثل به عنوان یک جمله‌ی معکوس در مورد یک ماجرا با پایان ناخوشایند به کار می‌رود.

به باور برخی از افراد هم این جمله را اعراب که در پایان شاهنامه با شکست یزدگرد بر ایرانیان پیروز می‌شوند، وارد ضرب‌المثل‌های ایرانی کرده‌اند. البته این باور در هیچ کتاب و پژوهشی سندیت تاریخی ندارد و به نظر بسیاری از پژوهشگران ادبیات مردود است. در کتاب‌های مختلفی که درباره‌ی

چرا می‌گویید شاهنامه

جمله‌ی این کتاب‌ها هستند. کتاب ریشه‌های تاریخی امثال و حکم نوشته‌ی مهدی پرتوی آملی که به بررسی تاریخی ریشه‌های ضرب‌المثل‌های ایرانی پرداخته شده، علت رواج این جمله را این می‌داند که در گذشته هر کس شاهنامه می‌خواند و به ستایش سلطان محمود غزنوی می‌رسید، از همت سلطان در تحسین شاهنامه خوشحال می‌شد اما با پایان یافتن شاهنامه و فهمیدن حق ناشناسی سلطان محمود در قبال فردوسی و کتابش، متوجه اشتباه خود می‌شد. این روایت بعدها به ضرب‌المثل تبدیل شد و عاقلان به هر کس که دست به کار تاخردانه‌ای بزنند و اصرار بر ادامه‌ی آن داشته باشد، می‌گویند، شاهنامه آخرش خوش است.

در این باره نظریات متناقضی هم وجود دارد. به عنوان مثال محمدعلی اسلامی ندوشن در این باره معتقد است؛ این ضرب‌المثل کتابی نیست و اشاره به هسته‌ی اصلی شاهنامه یعنی جنگ‌های ایرانیان و تورانیان دارد. او اعتقاد دارد که خوش بودن پایان شاهنامه مربوط به حمله‌ی اعراب و شکست ساسانیان نیست، بلکه به پیروزی نهایی پهلوانان ایرانی بر لشکر توران اشاره دارد که البته این پیروزی در قسمت‌های میانی شاهنامه و در بخش پهلوانی آن است و به آخر شاهنامه که مربوط به بخش تاریخی می‌شود، ربطی ندارد.

محیط طباطبایی در کتاب

شاهنامه چگونه به پایان رسید نظر دیگری هم در رابطه با این ضرب‌المثل دارد. در گذشته وقتی نقتان از خواندن یک دوره‌ی کامل شاهنامه فارغ می‌شدند، در مجلس نقل شاهنامه جشن کوچکی برپا می‌شد و کسانی که مدت‌ها با اشتیاق دل به داستان‌ها و حماسه‌سازی‌های پهلوانان ایران زمین می‌سپردند، بساط شیرینی و چای را فرا هم می‌کردند و معتقد بودند که هر چند پایان کار ایرانیان در آخر شاهنامه خوش نیست، اما به پایان رساندن نقالی کامل این کتاب شایسته‌ی شادمانی است.

برخی نویسندگان و پژوهشگران شاهنامه هم مفهوم کتابی این ضرب‌المثل را مربوط به رفتار سلطان محمود غزنوی و طرد فردوسی و کتابش از دربار می‌دانند. آن‌ها معتقدند این جمله به داستان‌های شاهنامه ربطی ندارد و به سرگذشت فردوسی و رانده شدنش پس از ۳۰ سال تلاش برای سرودن شاهنامه اشاره دارد.

آنچه از پایان بخش پهلوانی و تاریخی شاهنامه می‌توان فهمید، این است که با کشته شدن رستم، نام دارترین پهلوان ایرانی و همچنین شکست ایرانیان از اعراب، پایان داستان‌های این اثر ماندگار برای مردم ایران خوش نیست. با این وجود، خلق این کتاب توسط فردوسی و داستان‌های زیبا و حماسی آن که در دل‌آوری و خصایص نیکوی پهلوانان و اساطیر ایرانی ریشه دارد، برای همیشه برای ایرانیان خوشایند خواهد بود.